

## Elements of Thought 3

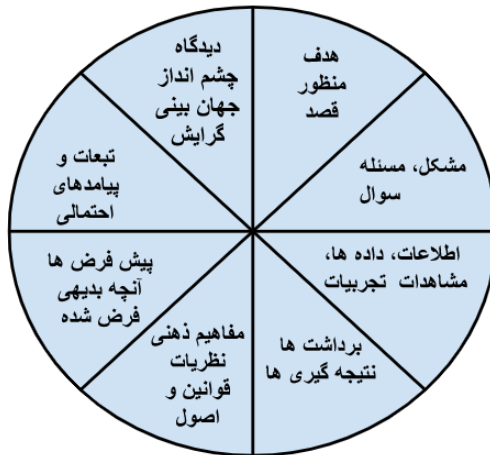
### ارکان تفکر ۳

این برنامه آموزشی با پشتیبانی و حمایت بنیاد غیر انتفاعی آیینه تهیه و تقدیم حضور شما عزیزان میشود. در این بسته آموزشی که صد جلسه خواهد بود، اصول درست فکر کردن بر اساس آموزه های تفکر نقادانه، (Critical Thinking) و با بهره گیری از آخرین یافته های علمی در زمینه تفکر، آموزش داده میشود. هدف از این برنامه آشنایی همگان با اصول درست اندیشیدن است تا از این طریق شاهد گسترش هر چه بیشتر عقل ورزی و خردگرایی در جامعه باشیم.

#### ارکان تفکر (Elements of Thought)

در دو جلسه گذشته مدل هشت بخشی ارکان تفکر که بوسیله ریچارد پال پیشنهاد شده است را معرفی کردیم.

- چه هدفی را دنبال می کنیم؟ می خواهیم چه چیز اتفاق بیفتد؟
- پرسش اساسی چیست؟ چه مشکلی قرار است حل شود؟
- چه اطلاعات و تجربیاتی برای رفع مشکل یا پاسخ به سوال لازم است؟
- برداشت من چیست و چگونه نتیجه گیری می کنم؟
- مفاهیم ذهنی کلیدی چه هستند؟
- پیش فرض های ما چه هستند؟
- چه تبعات و پیامدهایی ممکن است داشته باشد؟
- با چه دیدگاهی به موضوع نگاه می کنم؟ دیدگاههای دیگر چه می گویند؟



مدل ارکان تفکر ریچارد پال

مدل ارکان تفکر ریچارد پال را میتوان در باره رشته تحصیلی خود بکار برد. هدف از این رشته تحصیلی چیست؟ بدنبال پاسخ به چه پرسش هایی است؟ مفاهیم کلیدی چه هستند؟ از چه نوع اطلاعاتی استفاده می کند؟ واقعیت ها چیست؟ چگونه برداشت و نتیجه گیری صورت میگیرد؟ پیش فرض های آن چیست؟ چه تبعات و پیامدهایی وجود خواهد داشت؟ از کدام چشم انداز به موضوع نگاه میکند؟ چه دیدگاههای در آن وجود دارند؟ به اهداف و انگیزه ها دقیق تر بیندیشیم:

- هدف نویسنده/سخنران چیست؟
  - آیا هدف خود را به صراحت بیان کرده است؟
  - آیا هدف او موجه است؟
- به طرح مسئله و پرسش دقیق تر بیندیشیم:
- آیا پرسش یا مسئله خود را بوضوح مطرح کرده است؟
  - آیا در طرح مسئله دچار سوگیری و تعصب نشده است؟
  - آیا در بیان مسئله به پیچیدگیهای آن توجه لازم را مبذول داشته است؟
  - آیا مسئله به شکلی مطرح شده تا با هدف در یک راستا قرار گیرند؟

- به داده ها و اطلاعات دقیق تر بیندیشیم:
- آیا از اطلاعات و تجربیات کاملا مرتبط با موضوع استفاده می کند؟
  - آیا اطلاعات ارائه شده موثق و دقیق است؟
  - آیا در انتخاب اطلاعات دچار سوگیری تاییدی نشده است؟
- به برداشت ها و نتیجه گیری ها دقیق تر بیندیشیم:

- آیا نویسنده یا سخنران نحوه استدلال و نتیجه گیری خود را به صراحت و وضوح بیان کرده است؟
- آیا برداشت و نتیجه گیری او بر اساس اطلاعات و تجربیات است؟

به پیش فرض ها دقیق تر بیندیشیم:

- چه چیزی را بدیهی فرض کرده است؟
- کدام پیش فرض ها او را به این نتیجه گیری رسانده است؟
- آیا پیش فرض های او را می توان زیر سوال برد؟

به مفاهیم ذهنی دقیق تر بیندیشیم:

- مفاهیم کلیدی مورد استفاده او کدامند؟
- آیا مفاهیم کلیدی را به اندازه کافی توضیح داده است؟
- آیا من متوجه شدم که نباید با مفاهیم ذهنی خود، به موضوع مطرح شده فکر کنم؟

به مفاهیم ذهنی دقیق تر بیندیشیم:

- آیا مفهوم عقل آنگونه که کانت بکار میبرد مانند مفهوم عقلی است که سهروردی از آن سخن می گوید؟
- آیا کانسپت "جمهوری اسلامی" متناقض نیست؟
- علاقه به استفاده از پسوند اسلامی برای نامهای مختلف سبب ساخت برخی ترکیبات متناقض شد. مثل فلسفه اسلامی یا طب اسلامی

به مفاهیم ذهنی دقیق تر بیندیشیم:

- ما متناسب با مفاهیم فکری خود، فکر می کنیم.
- مفاهیم فکری ما ابزار تفکر ما هستند.
- ما بر اساس ایده های ذهنی که این مفاهیم را در بر میگیرند فکر میکنیم.
- ما در استفاده از زبان به شکل دقیق مراعات لازم را نداریم.

به دیدگاه ها دقیق تر بیندیشیم:

- نویسنده از کدام دیدگاه به موضوع نگاه میکند؟
- چه دیدگاههای دیگری وجود دارند؟
- محدودیت های دیدگاه او چیست؟
- آیا او دیدگاههای دیگری که نظر او را به چالش می کشند، با دقت بررسی و مطرح کرده است؟

● مولانا از کدام چشم انداز مثنوی را نوشته است؟

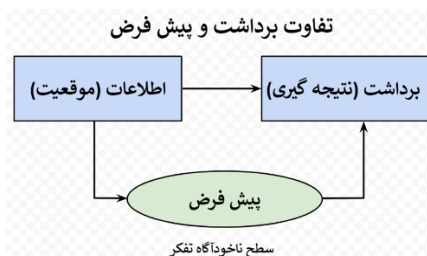
- محدودیت های دیدگاه او چه بوده است؟
- آیا میتوانم از دیدگاهی که با آن مخالفم به موضوع نگاه کنم و آن را توضیح دهم؟

- هر تفکر و استدلالی در چارچوب یک دیدگاه بخصوص انجام میشود.
- از صفات بارز متفکر نقاد این است که سعی می کند از دیدگاههای مختلف به موضوع نگاه کند. (همدلی فکری)
- به تبعات و پیامدها دقیق تر بیندیشیم:
- اگر نظر نویسنده را بپذیریم، چه پیامدهایی خواهد داشت؟
- اگر نظر این نویسنده را بپذیریم، چه تاثیری بر سیستم باور من خواهد داشت؟ کدام عقاید خود را باید کنار بگذارم؟
- اگر نظر او را قبول نکنیم، چه پیامدهایی خواهد داشت؟
- انسان خردمند و مسئولیت شناس تبعات و پیامدهای تصمیم خود را در نظر می گیرد.
- اجرای هر طرح و برنامه ای یک سری پیامدها به دنبال خواهد داشت.

ارکان تفکر با هم در ارتباط بوده و بر یکدیگر اثر میگذارند:

بیشترین ارتباط بین برداشت و نتیجه گیری از یک سو و پیش فرض ها از سوی دیگر وجود دارد. تمایز قائل شدن بین برداشت ها و پیش فرض ها بسیار اهمیت دارد. با مشاهده یک وضعیت، ذهن برای خود نتیجه گیری هایی می کند. نتیجه گیری ذهن که به آن برداشت می گوئیم بر اساس پیش فرض های ذهن می باشد. پیش فرض ها بخشی از سیستم باور انسان را تشکیل می دهند. باورها و پیش فرض ها ممکن است درست و موجه باشند و ممکن است نادرست و ناموجه باشند. انسان بر اساس باورها و پیش فرض های خود نتیجه گیری می کند. چون باورهای خود را درست میدانند، نتیجه گیری خود را نیز درست می پندارد. انسان پیوسته در حال برداشت و نتیجه گیری است. این کار را آنقدر طبیعی و ناخودآگاه انجام می دهیم که معمولا به کم و کیف آن توجه نمی کنیم. وقتی کسی درب را محکم به هم میزند نتیجه میگیریم عصبانی است.

به تفاوت پیش فرض و برداشت در مثال های زیر توجه فرمایید.



- موقعیت: شما فردی را روی ویلچر می بینید.
- برداشت: باید زندگی سخت و اندوهناکی داشته باشد.
- پیش فرض: کسانی که روی ویلچر هستند زندگی رضایت بخشی ندارند.

موقعیت: ماشین پلیس مدتی است پشت سر شما در حرکت است.  
برداشت: میخواهد من را متوقف کند.  
پیش فرض: هر زمان ماشین پلیس در تعقیب خودروپی باشد میخواهد آن را متوقف کند.

موقعیت: یک بمب گذاری در ایستگاه مترو در لندن اتفاق افتاده است.  
برداشت: کار تندروهای اسلامی است.  
پیش فرض: اقدامات تروریستی کار گروههای تندرو اسلامی است.

موقعیت: دولت تصمیم دارد حقوق فرهنگیان را افزایش دهد  
برداشت: دولت به فکر معیشت فرهنگیان است  
پیش فرض: دولت خدمتگزار است و دغدغه معیشت اقشار مختلف را دارد

موقعیت: دولت تصمیم دارد حقوق فرهنگیان را افزایش دهد  
برداشت: از ترس اینکه اعتصاب کنند  
پیش فرض: دولت از اعتصاب اقشار مختلف واهمه دارد  
موقعیت: کودکی را در کنار مادرش در حال گریه می بینید.  
برداشت: ؟  
پیش فرض: ؟

موقعیت: تلفن شما ساعت دو بامداد زنگ می خورد.  
برداشت: ؟  
پیش فرض: ؟

موقعیت: ابرهای تیره ای را در آسمان می بینید  
برداشت: ؟  
پیش فرض: ؟

موقعیت: از خانه همسایه صدای گریه می آید.  
برداشت: ؟  
پیش فرض: ؟

موقعیت: زیر چشم دوست شما کبود شده است.

برداشت: ؟  
پیش فرض: ؟

افراد مختلف برداشت های متفاوتی دارند چون:  
از دیدگاههای مختلفی به موضوع نگاه می کنند (انقلابی/ضد انقلاب)  
ویژگیهای شخصیتی مختلفی دارند (خوشبین/بدبین)  
انگیزه ها و اهداف متفاوتی دارند (منافع شخصی)

ما باید این فرایندهای ذهنی را به شکل خودآگاه مورد توجه قرار دهیم. گاهی برداشت و نتیجه گیری بصورت زنجیروار صورت میگیرد، یعنی از یک برداشت به سوی برداشت بعدی و از آن برداشت، برداشتی دیگر ...

ما همواره از پیش فرض ها استفاده می کنیم چون عملا نمی توان همه چیز را سوال کرد. البته بیشتر پیش فرض ها موجه هستند مثلا استادی که سر کلاس تدریس می کند، حتما مدارک تحصیلی مربوطه را دارد. ما با این پیش فرض از مغازه ای خرید می کنیم که فروشنده مجاز است که آن کالا را بفروشد.